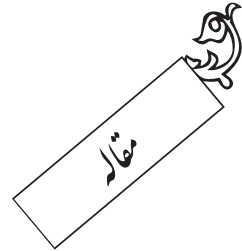


تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۵

(صفحه ۱۹-۴۳)



## از کاروان هند<sup>۱</sup>

جست‌وجو در احوال و آثار آشوب مازندرانی و ضرورت تصحیح کلیات اشعار او

دکتر محمد تقی جهانی\* - دکتر علی گوزل اوز\*\* - دکتر نهاد دگرمانجی\*\*\*

### چکیده

ملا محمد حسین آشوب مازندرانی از شعرایی است که به هند رفت و در آنجا ملازم ظفرخان احسن تربیتی و رفیق ابراهیم خان بود. او بخش اعظم عمر خود را در شهرهای مختلف هند سپری کرد و عاقبت در آگره وفات یافت. کلیات اشعار او شامل قصاید و مقطعات، غزلیات و رباعیات است. تنها نسخه این اثر در کتابخانه نورعثمانیه ترکیه نگهداری می‌شود. با تتبع و تحقیق در کلیات اشعار او مشخص شد که او از جمله گروه اول از شاعران سبک هندی (شاعرانی که تداوم‌دهنده سنت شاعران پیشین بودند) است و در سرودن اشعار خود از شاعران سبک خراسانی و عراقی بسیار تأثیر گرفته است.

در این مقاله علاوه بر معرفی آشوب مازندرانی به بررسی و تحلیل کلیات او و استخراج شاخصه‌های زبانی، فکری و ادبی او پرداخته‌ایم تا جایگاه این شاعر در میان شاعران این سبک مشخص گردد.

**کلیدواژه‌ها:** شعر قرن یازدهم، سبک هندی، آشوب مازندرانی، تصحیح نسخه.

۱. برگرفته از نام کتاب استاد گلچین معانی است.

m.jahani@ilam.ac.ir

\* عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول).

guzelyuz@istanbul.edu.tr

\*\* عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول.

nihat.degirmenci@istanbul.edu.tr

\*\*\* عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول.

## مقدمه

ظهور صوفیان و رویکرد مذهبی آنان، شرایط جدیدی در ایران به وجود آورد که کوچ بسیاری از شاعران به هند از نتایج آن بود. «بداونی قریب ۱۷۰ نفر را می‌شمارد که اکثر آن‌ها، اگرچه در هندوستان متولد شده بودند ولی ایرانی‌الاصل بودند، شبلی ۵۱ نفر را اسم می‌برد که در عهد اکبر از ایران به هند آمدند و در دربار راه یافتند» (براون، ص ۱۷۵). علاوه بر این، برخی از پژوهشگران تعداد دیگری برای این مهاجران ذکر کرده‌اند. زرین کوب در بیان دلایل این مهاجرت گسترده می‌نویسد:

«در عصر صفویه چون طبقهٔ مذاحان و ادبای رسمی جای خود را به صوفیان ولایت شعار داد، شعر هم جز در آنچه می‌توانست خادم مذهب و مروّج سیاست حکومت باشد، نقش قابل ملاحظه‌ای نیافت و در نزد طبقات عامه وسیله‌ای برای اقامهٔ مراسم سوگواری محرم و نشر مناقب و مرثی ائمهٔ هدی گشت و ورای آن در تبیین عشق و عاشقی‌های معمول عامه و در حدّ فرهنگ و زبان و آداب و رسوم آن‌ها محدود ماند و بدین‌گونه در خطّ تازه‌ای افتاد» (زرین کوب، ص ۳۴۹).

گلچین معانی به دلایل دیگری برای این مهاجرت اشاره کرده است:

«رفتن این گروه به شبه‌قاره اعم از دکن ثلاثه (احمدنگر، گلکنده، بیجاپور) و هند مغول (قلمرو تیموریان) و نقاط دیگر چون کشمیر در عهد چکان و سند در زمان جامان و ارغونیان، چنان‌که در شرح احوالشان آمده است، نه از بی‌توجهی شاهان صفوی به شعر و شاعری بوده، بلکه علل و جهات دیگری داشته است، از قبیل خروج شاه اسماعیل ثانی و قتل عام شاهزادگان که مروّج شعر و مربی شاعران بودند، فتنه‌های پیاپی اوزبکان، هجوم عساکر روم به‌دفعات، دعوت شاهان هند از ایشان، همراهی سفیران ایران، رنجش و ناخرسندی و گریز از تهمت مذهبی، قلع و قمع سران طایفهٔ خود در عهد شاه عباس اوّل (لر، ترکمان، تکلّو، افشار) آزدگی از خویشان یا همشهریان، درویشی و قلندری، پیوستن به آشنایان و بستگان خود که در آن سامان مقام و منصبی داشتند، سفارت، تجارت، سیاحت، عیاشی و خوشگذرانی، ناسازگاری روزگار، پیدا کردن کار، راه یافتن به دربار. گذشته از این‌ها مردم هند به خصوص آنان که با ایرانیان اتحاد مذهب و اشتراک زبان داشتند، ایشان را ارج می‌نهادند» (گلچین معانی، ص پنج).

آشوب مازندرانی نیز از زمرهٔ این مهاجران بود که به سرزمین هندوستان رفت و در آنجا مانند همشهری معاصر خود، طالب آملی، ساکن شد و در همان جا هم درگذشت. این شاعران در ابتدا مقلدان و ادامه‌دهندگان سنت‌های شعری پیشینیان خود بودند؛ ولی با

گذر زمان طرز نویی در شعر به‌وجود آوردند که به سبک هندی معروف گشت.

### ۱. بیان مسئله و تبیین اهداف

کثرت شاعران مهاجر به هند و پراکندگی و دور بودن آنان از ایران، موجب گردیده که بسیاری از آثار آن‌ها گمنام و غیر قابل دسترس بماند. کلیات آشوب مازندرانی که مجموعه‌ای نفیس و از گنجینه‌های نسخ خطی ایران می‌باشد از جمله این آثار است. نگهداری این نسخه خطی در خارج از ایران (کتابخانه نورعثمانیه ترکیه) و گمنام بودن شاعر سبب گردیده تا کنون این اثر تصحیح انتقادی نشود. به همین دلیل برآن شدیم با تصحیح این اثر ارزشمند در احیای یک اثر درخور و تبیین بهتر سیر تحولات سبکی نظم فارسی گامی برداریم. در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ سؤالات زیر هستیم:

۱. ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری کلیات اشعار آشوب چیست؟
۲. محتوا و موضوعات طرح شده در کلیات آشوب کدام است؟
۳. آشوب از زمره کدام شاعران سبک هندی به‌شمار می‌آید؟

### ۲. پیشینه تحقیق

همان‌گونه که ذکر شد، گمنامی شاعر و در دسترس نبودن کلیات اشعار او موجب شده، آشوب مازندرانی از دید بسیاری از پژوهشگران به‌دور بماند؛ ولی با وجود این، در منابع گوناگونی نظیر تذکره نصرآبادی، صبح گلشن، صحف ابراهیم، کاروان هند، فرهنگ سخنوران و الذریعه، مختصراً معرفی شده است. طاهری شهاب نیز در مقاله‌ای کوتاه این شاعر را معرفی کرده است. علاوه بر این، سید رضا باقریان موحد در مقاله‌ای با عنوان «استقبال آشوب از قصیده شینییه خاقانی» به معرفی مختصر آشوب پرداخته و در ادامه، قصیده پنج مطلعی «شاهد الافکار» آشوب را آورده است. در دانشنامه ادب فارسی (ج ۴، ادب فارسی در شبه‌قاره) مدخلی در معرفی آشوب مازندرانی وجود دارد.

### ۳. نام و نسب شاعر

آشوب در آغاز مثنوی اعجاز البیان به نام خود این‌گونه اشاره کرده است: «سبحان الله با

این کساد بازاری نمی‌دانم گرمی کدام سودا این غریب محجوب، محمدحسین آشوب را بر این داشت که در جواب مجمع البحرین... به جهت متابعت جرئت نموده نماید» (آشوب، ۷۰)<sup>۱</sup> تذکره‌نویسان نیز به اجماع نام او را محمدحسین دانسته‌اند (آرزو، ج ۱، ص ۱۴۹: نقش علی، ص ۴؛ عاشقی عظیم‌آبادی، ج ۱، ص ۱۱۱؛ گوپاموی، ص ۸؛ غنی موفرخ‌آبادی، ص ۲). او «فرزند ارشد ملا صالح مازندرانی و برادر سعید اشرف است» (خلیل، ج ۱، ص ۲۱۶). عاشقی عظیم‌آبادی (ج ۱، ص ۱۱۱) او را از اکابرزاده‌های صفوی نژاد ایرانی دانسته است.

#### ۴. تخلص آشوب

ملا محمدحسین مازندرانی متخلص به «آشوب» بوده و اکثر تذکره‌نویسان در ذکر شرح حال او با همین تخلص او را معرفی کرده‌اند (نک: عاشقی عظیم‌آبادی، ج ۱، ص ۱۱۱؛ نصرآبادی، ص ۳۰۹؛ گوپاموی، ص ۸۳؛ رحم‌علی‌خان، ص ۱۱۹).

در فرهنگ سخنوران چندین شاعر با تخلص آشوب معرفی شده‌اند: آشوب ایروانی (۱۳ق)، آشوب تبریزی (۱۳۳۷ق)، آشوب دیلمقانی (۱۳ق)، آشوب شاه‌جهان‌آبادی (۱۱۹۹ق)، آشوب طهرانی (۱۳ق)، آشوب نطنزی (۱۰ق) و آشوب همدانی (۱۱ق) (خیام‌پور، ج ۱، ص ۸).

طاهری‌شهباز در مقاله‌ای درباره‌ی آشوب، با آوردن ۱۲ غزل و رباعی که به تخلص «آشوب» ختم شده، چنین استنباط کرده که این قصاید از ملا محمدحسین مازندرانی متخلص به آشوب است (طاهری‌شهباز، ص ۳۰)؛ ولی بعداً متوجه خطای خود شده و در اصلاح آن چنین نوشته است: «در دیوان طالب غزلیاتی موجود است که به تخلص آشوب می‌باشد. نویسنده در بدو امر تصور می‌نمود که این غزلیات متعلق به ملاحسین آشوب مازندرانی از معاصران طالب است که کاتبین دیوان طالب آن را وارد در مسوده‌ی اشعار طالب کرده‌اند و یا آنکه خود طالب آن‌ها را از لحاظ هم‌ولایتی بودن با آشوب در دفاتر شعری خود ثبت [کرده] و بعداً کاتبین اشعار او این غزلیات را در دیوانش گنجانیده‌اند؛ ولی دوست دانشمند احمد گلچین‌معانی ضمن نامه‌ای که به‌عنوان نویسنده مرقوم

۱. تمام ارجاعات این مقاله به آثار آشوب، به تنها نسخه‌ی خطی موجود از کلیات آشوب مازندرانی در کتابخانه‌ی نورعثمانیه ترکیه به شماره ۳۶۵۷/۴۱۸۰ برمی‌گردد.

داشته بودند تذکر دادند که آشوب همان طالب است؛ زیرا وی در جوانی این تخلص را داشته و حتی در دوران پختگی طبع هم این کلمه را رها نکرده و در آثار خود آن را به کار برده است:

همان آشوب سودا گیرد از ذوق سرم طالب      اگر صد مغز عقلم پنبه داغ جنون گردد»  
(طاهری شهاب، ۲، چهل و هشت)

### ۵. تاریخ ولادت، زادگاه و وفات

تاریخ ولادت آشوب دقیقاً معلوم نیست و در تذکره‌های موجود اشاره‌ای به آن نشده است. او در مازندران، قریه سورک، که در ۱۵ کیلومتری شرقی شهر ساری است، به دنیا آمد (آقابزرگ تهرانی، ج ۲، ص ۸؛ طاهری شهاب، ۱، ص ۳۰) در کلیات اشعار بارها از زادگاه خود و دلبستگی به آن سخن گفته است:

مازندران که خاکش از شرف علم توتیاست      نازد ز نسبت گهر بحرِ پرورم  
مازندران که جنت ثانیست خرم است      از نشئه تولد ذات هنرورم  
(آشوب، ۲۱)

در تاریخ وفات آشوب نیز اختلاف نظر وجود دارد. غنی موفرخ‌آبادی (ص ۱) وفات او را به سال ۱۰۹۹ق در هند و گلچین معانی (ج ۱، ص ۳) سال ۱۰۶۷ق و در شهر آگره هند ذکر کرده‌اند. گوپاموی (ص ۸۳) سال وفات او را اواخر سده یازدهم دانسته است.

### ۶. سفرها و سوانح زندگی شاعر

#### ۶-۱. سفرها

آشوب پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی برای تکمیل معلومات خود به اصفهان رفت و «چون روی رفاهیت از هیچ طرفی ندید و مشوقی نجست رخت سفر به جانب هند برپست» (طاهری شهاب، ۱، ص ۳۰) و در آنجا به خدمت ظفرخان احسن تربتی درآمد و از ملازمان او شد. بعد از رحلت خان مذکور به ایران برگشت (راشدی، ص ۲۶) و سپس بار دیگر راهی هند شد و تا پایان عمر در آنجا بود (خلیل، ج ۱، ص ۱۱۴؛ گوپاموی، ص ۸۳؛ سید علی حسن خان بهوپالی، ص ۶؛ نقش علی، ص ۴).

آشوب، مهاجرت به هند را اجباری و از روی ناچاری دانسته و بارها از این کوچ اظهار ناخرسندی کرده است:

به اضطرار شدم دور از در تو ولیک      به اشک دشت‌نورد و به آه گردون سا  
(آشوب، ۴۵؛ نیز نک همو، ۲۸، ۴۴، ۸۵)  
از اشعار آشوب چنین برمی‌آید که در هندوستان به شهرهای مختلفی چون پیشاور، مولتان، دهلی و پنجاب رفته است:  
آشوب مخلص توست در هر کجا که باشد      گر دهلوست و لاهور و کابلست و کشمیر  
(همو، ۵۵؛ نیز نک: همو، ۴۳).  
با وجود اینکه مهاجرت آشوب به هند به اجبار بوده؛ ولی او در هند قدر و منزلت داشته است:

مرا قدر باشد به بازار هند      که بختم بود خال رخسار هند  
(همو، ۷۰)  
اما گاهی ابنای روزگار او را آزرده خاطر کرده او نیز زبان به مذمت آنان و شهر و دیارشان گشوده است:

مرو به هند به نان جوین قناعت کن      ز جان و دل شنو این پند تا بیاسایی  
بزرگ هند فریبش مخور که می‌باشد      گدای شهر ولی در لباس امرایی  
(همو، ۵۷؛ نیز نک: ۳۱، ۴۸)

## ۲-۶. بیماری شاعر

آشوب در ابیاتی به بیماری خود اشاره کرده است:

روی شادی زان نمی‌بینم که مانند شفق      باشد از خون جگر هر شامگه صهبای من  
نه طبق بگذاشته زهر این سپهر کینه‌زا      پانزده ماهست ناخوش بگذرد از نای من  
آن سراپا شعله‌ام کز بخت وارون هر بهار      داغ می‌جوشد به جای لاله در صحرای من  
(همو، ۲۷)

## ۷. خلق و خوی شاعر

در تذکرها به ویژگی‌های اخلاقی این شاعر کم‌تر اشاره شده است. از او به‌عنوان «سیدی نیک‌نهاد» یاد شده (سید علی حسن‌خان بهوپالی، ص ۶) و خان آرزو (ج ۱، ص ۱۴۹) نیز او را

«خوش طبیعت و خوش فکر» دانسته است. مؤلف صفح ابراهیم در این باره چنین نوشته است: «گویند شرمی در غایت افراط داشت چنان چه در وقت خواندن شعر عرق می‌کرد» (خلیل، ج ۱، ص ۲۱۶).

از اشعار آشوب چنین برمی‌آید که او با هر گروهی سر سازش داشته و علی‌رغم آنکه گاهی از اطرافیان رنجیده خاطر گشته (آشوب، ۳۱، ۴۸، ۵۷)، ولی باز بر شیوهٔ مصالحه و مسامحه تأکیده کرده و دیگران را به این روش فراخوانده است:

مشرَب آشوب گیر و صلح کل را پیشه ساز      بزم و مسجد را اذان و نالهٔ طنبور باش

(همو، ص ۴۹)

آشوب به بلندطبعی و استغنائی خود بالیده است. گویی او در بیان این خصیصه، از خاقانی الهام گرفته است، به گونه‌ای که اشعار او در این زمینه، مفاخره‌های خاقانی را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند:

حاش لله گر کنم رغبت به هر دون پروری      سر فرونارد به گردون همت والای من  
خوار گردون کی شوم تا باشد از همت نشان      ترشی لیموی او چون بشکند صفرای من...  
نیستم زن<sup>۱</sup> تا ز چرخم شکوه باشد روز و شب      چرخ را در تاب دارد طرز استغنائی من

(همو، ص ۲۷)

## ۸. مذهب آشوب

شیعه بودن آشوب از مدایح او و ذکر مناقب ائمه<sup>(ع)</sup> و انعکاس عقایدش از خلال اشعارش نمایان است. او چندین قصیده را به این موضوع اختصاص داده و در قصیده‌ای به نام دوازده امام اشاره کرده است:

دوستی اهل بیتم عروۃ الوثقی بود      سوی خلدم می‌کشد بی‌شبهه این حبل المتین

(همو، ص ۱۶)

نیز:

شه اولیا سرِ اصفیا اسدالله آن که به صد خطا      ز تف سقر به من از چه رو به ولای او اثری رسد

(همو، ۱۱؛ نیز نک: ۱۰، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۱۶۷)

## ۹. ممدوحان شاعر

رویکرد مذهبی صفویان و عدم استقبال آنان از مدیحه‌سرایی شاعران موجب شد شعر مدحی در شکل پیشین که در میان شاعران مرسوم بود، در این دوره کاهش یابد و مدح امامان شیعه<sup>(ع)</sup> مرسوم گردد. در کلیات آشوب به مدیحه‌هایی از این نوع برمی‌خوریم؛ ولی با وجود این با مدح شاهان و حاکمان نیز مواجه می‌شویم. دو بیت زیر بیانگر آن است که آشوب در برهه‌ای خاص از عمر خود از مدح دیگران صرف‌نظر کرده است:

چسان به دمدمه خاطر نشان کس سازم      که فکر شعر جگرکاو است و خونخواری<sup>۱</sup>  
به مدح کس نکنم صرف بعد ازین اوقات      گذشتم از سر این افترا و شاکاری<sup>۲</sup>

(همو، ۳۲)

مدیحه‌های آشوب به سه دسته کلی زیر قابل تقسیم است:

### ۱-۹. مدح پیامبر و ائمه معصومین

در این گونه از مدح‌ها علاوه بر مدح پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> و حضرت علی<sup>(ع)</sup> که در دیباچه‌های شاعران سنی‌مذهب قبل از صفویان هم مرسوم بود به مدح امام زین‌العابدین (آشوب، ۱۸، ۱۹) و امام رضا<sup>(ع)</sup> (همو، ۱۷، ۱۸، ۵۶) پرداخته است.

### ۲-۹. شاهان و حاکمان و رجال حکومتی

دومین گروه از ممدوحان آشوب، شاهان و حاکمان اند. او به مناسبت‌های گوناگون از قبیل نشستن بر تخت شاهی یا اتمام ساخت یک بنا یا وقوع یک اتفاق قابل توجه به مدح آنان پرداخته است. در این مدح‌ها به اسامی زیر برمی‌خوریم:

۱. شاه‌صفی (همو، ۱۸، ۳۴، ۳۸، ۵۲)، ۲. اکبرشاه (همو، ۳۵)، ۳. ظفرخان (همو، ۳۹)، ۴. شاه‌جهان (همو، ۵۹)، ۵. سپهدارخان (همو، ۴۶)، ۶. فاضل‌خان (همو، ۳۹)، ۷. علیمردان‌خان (همو، ۳۸، ۸۴)، ۸. تقرب‌خان (همو، ۳۸، ۳۸)، ۹. میرزا قاسم (همو، ۴۰-۴۳)، ۱۰. محمد داراشکوه (همو، ۷۳)، ۱۱. مکرمت‌خان (همان‌جا).

۲. شاکاری به معنی بیگاری و کار بی‌مزد کردن است.

۱. اصل: خوانخواری.



## ۹-۳. عالمان و هنرمندان

سومین گروه از ممدوحان این شاعر عالمان و هنرمندانی هستند که برخی از آنان از مشاهیر زمان خود بوده‌اند.

۱. میر محمد باقر اشراق (همو، ۳۷)، ۲. ملا شمسای گیلانی (همو، ۶۲)، ۳. میر ابوالقاسم فندرسکی جرجانی (همو، ۳۸).

## ۱۰. آثار آشوب

## ۱۰-۱. کلیات آشوب

کلیات اشعار آشوب مجموعه‌ای مشتمل بر قصاید، مقطعات، غزلیات و رباعیات است. تنها نسخه خطی موجود از این اثر در کتابخانه نورعثمانیه ترکیه به شماره ۳۶۵۷/۴۱۸۰ نگهداری می‌شود. این کتاب در ۱۶۷ برگ و با خط زیبای نستعلیق تحریر شده است. در حاشیه‌های کناری برخی از صفحات، ابیاتی از غزلیات همان صفحات نوشته شده و عناوین و شماره مطلع‌ها، با رنگ قرمز از سایر نوشته‌ها متمایز شده است. آغاز این اثر با قصیده‌ای بلند با پنج مطلع به تقلید از قصیده مرآت الصفای خاقانی است:

توقف نیست در ایجاد تأثیر مؤثر را به وقت خاص لیکن شوق خواهش داد رجحانش

(همو، ۶)

و آخرین بیت چنین است:

آشوب ترا که ظاهر و باطن ازوست خود را به میان هیچ نبینی همه اوست

(همو، ۱۶۷)

اکثر تذکره‌نویسانی که به معرفی آشوب مازندرانی پرداخته‌اند برای شاهد مثال این دو بیت را با تفاوتی اندک به‌عنوان شاهد مثال آورده‌اند:

سبزه از مژگان من سرمشق شادابی گرفت نرگس از چشم ترم تعلیم بی‌خوابی گرفت

نقد اشکم را به‌زور از مردم چشمم ربود گرد او گردم که باج از مردم آبی گرفت

(نک: گوپاموی، ص ۸۳؛ آرزو، ج ۱، ص ۱۴۹؛ نقش علی، ص ۴؛ سامی، ص ۲۱۰؛ گلچین معانی، ص ۴؛

عاشقی عظیم‌آبادی، ج ۱، ص ۱۱۱؛ واله داغستانی، ص ۲۷۷).

## ۲-۱۰. مثنوی اعجاز البیان

این مثنوی، درون کلیاتی که در اختیار ماست، آمده و ذیل مدخل آشوب در دانشنامهٔ ادب فارسی به نسخهٔ خطی مستقل این قصیده که در کتابخانهٔ خیرپور نگهداری می‌شود نیز اشاره شده است.

## ۱۱. قالب‌های شعری کلیات آشوب

### ۱۱-۱. قصیده

بخش بزرگی از کلیات آشوب به قصاید او اختصاص دارد. او مانند معاصران خود به استقبال بعضی از قصاید شاعران اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم رفته است؛ شاعرانی چون انوری و خاقانی و...

ساختار قصاید آشوب به شیوهٔ قصاید استادان پیشین، با مطلع‌هایی در وصف طبیعت و عناصر آن، آمدن بهار و... شروع می‌شود و تنهٔ اصلی این قصاید بر مدح امامان، شاهان، حاکمان، عالمان و هنرمندان معاصر خود و گاهی ستایش یا مذمت شهری و مردم آن و موضوعات حکمی و اخلاقی مشتمل است. فضای مذهبی عصر صفوی در شعر آشوب اثر گذاشته و او این قالب و ساختار را در خدمت مقاصد مذهبی قرار داده، به‌گونه‌ای که بخش بزرگی از قصایدش بدین موضوع اختصاص دارد. تفنّات شاعرانه که در آن عصر مرسوم بوده در قصاید آشوب نیز دیده می‌شود، تغییر شکل قافیه‌ها با آوردن قصاید ذوقافیه و تجنیس‌های مکرر، الزام مالایلم در انتخاب ردیف‌های دشوار و سرودن قصیده‌ای بدون نقطه از جملهٔ آن‌هاست.

### ۲-۱۱. غزل

دورهٔ صفوی را باید دورهٔ غزل‌سرایی در تاریخ ادب فارسی دانست (صفا، ج ۴، ص ۲۳۸) «خاصیت این غزل‌های بی‌شمار یکنواختی عمومی آن‌ها در بیان حالت‌های عشق و وصال و فراق و امید و حرمان و شوق و یأس و این گونه عاطفه‌های گوناگون بود که طبعاً در شعر غنایی بدان‌ها باز می‌خوریم» (همو، ج ۴، ص ۲۳۹).

بیشترین حجم کلیات آشوب به غزلیات او اختصاص دارد و همان شاخصه‌های متداول، در مضمون و ساختار، را در غزلیات آشوب نیز می‌توان دید.

## ۳-۱۱. مقطعات

بخش دیگری از کلیات آشوب به مقطعات او اختصاص دارد. این مقطعات به استقبال از استادانی چون انوری و... در موضوعات مختلفی چون عذر توبه شکستن، توصیف اسب، تهنیت فرستادن خلعت شاهانه، قسمیه در رفع حاسدان، در معذرت خلف وعده، در تعریف استرآباد و اهل آن و در ذکر فضایل شخصیت‌های برجسته است. حدود ۱۵ قطعه در ذکر تاریخ وقایع مختلف از قبیل تاریخ جلوس شاه صفی، تولد فرزندان افراد مشهور و تاریخ عمارت بناهای معروف و تاریخ وفات حاکمان و هنرمندان است. این نوع مقطعات نهایتاً با ذکر تاریخ اجدی وقایع به پایان رسیده است.

## ۴-۱۱. مثنوی

یکی دیگر از قالب‌های شعری به‌کاررفته در کلیات آشوب قالب مثنوی است. تعداد مثنوی‌های آشوب نسبت به سایر قالب‌ها اندک است؛ ولی مثنوی بلندی به نام اعجاز البیان در کلیات آشوب به چشم می‌خورد. آشوب در آغاز این مثنوی می‌نویسد:

«این شد که یک باب کتاب خود را که مسمی به اعجاز بیان است به چهار بحر که مخزن الاسرار شیخ نظامی و بحر مثنوی مولوی که ابیات مجمع البحرین ملا کاتبی و سحر حلال هلالی درین دو بحرند و بحر حدیقه حکیم شفاهی و بحر سبحة ملا جامی است مستثنی سازد... پوشیده نماند که ابتدا اعجاز البیان تا دو صد و کسری ذوبحرین و تجنیس است... و بعد از آن تا آخر کتاب مواقف سحر حلال است. سوای آنکه یک باب که به چهار بحر و سه قافیه و مسمی به بحر چهارموجه شده ملتمس آنکه چون منظور نظر خورده‌بینان بشود خورده‌نگیرند» (آشوب، ۷۱).

او سرودن این مثنوی را از برکت کرامات غیبی می‌داند و معتقد است کسی توان سرودن چنین مثنوی‌ای را ندارد (همان‌جا). این مثنوی در توحید و «در نعت نبی (ص) و مدح شهنشاه کشورگشای و شاهزاده عالم عالمیان محمد داراشکوه و در موضوعاتی چون صلح کل کائنات و تصفیة باطن از کدورات، در مذمت اهل دنیا و ترغیب در ایثار بر فقر، در ارتکاب به اعمال جمیله و اجتناب از افعال رذیله، در معرفت و ذکر معبود مطلق و... در آمیزش با نیکان و اجتناب از بدان، در صفت داد و احتراز از بیداد، در ترک نخوت و احتراز از حرص و شهوت و در عطای الهی و شکر نعمت‌های غیر متنهایی، در بیان حقیقت گوهر خود، در بیان تولد گوهر خود، در مناجات و اعتراف تقصیرات و در خاتمه کتاب است» (همو، ۷۱-۸۷).

### ۵-۱۱. رباعی

بخش پایانی کلیات آشوب رباعیات اوست. مضمون اصلی این رباعیات حکمی، اخلاقی و تأکید بر گذرا بودن روزگار و ناپایداری عمر است. علاوه بر این موضوعات در رباعیات پایانی، چند شعر هزل دیده می‌شود.

### ۶-۱۱. ابیات پراکنده

علاوه بر قالب‌هایی که پیش‌تر ذکر شد در میان مقطعات و غزلیات به ابیاتی برمی‌خوریم که در هیچ‌یک از این قالب‌ها نمی‌گنجد و مضمون آن‌ها مانند مضمون مقطعات و غزلیات در مسائل حکمی و عرفانی و... است.

### ۱۲-۱. رسم‌الخط کلیات آشوب مازندرانی

۱-۱۲. آوردن سه نقطه زیر حرف س.

۲-۱۲. جدا کردن «نه» منفی‌ساز از فعل: نه بینی = نبینی.

۳-۱۲. چسباندن حرف اضافه «به» به کلمه بعد از خود:

رفعت برد بطرح و سعادت خرد بحررز بال هما<sup>۱</sup> ز سایه بال کبوترم

(همو، ۲۰)

۴-۱۲. چسباندن «می» به فعل رئال جامع علوم انسانی

ز قطع هر تعلق قطع این ره میتوان کردن پریدم چون ز خود شد قطع راه شیرمردانش

(همو، ۷)

۵-۱۲. حذف نقطه برخی از حروف؛ مانند «ش» (همان‌جا)، «ت» (همو، ۶)، «ج» (همان‌جا)

و «چ» (همو، ۲۴).

۶-۱۲. «گ» بدون سرکش (همو، ۶).

## ۱۲-۷. به کار بردن «ة» به جای «ای»:

برو برو که مسلمان نه بقول رسول  
اگر ز دست و زبان تو بر دلی ستمست  
(همو، ۳)

## ۱۲-۸. به کار بردن «چه» به جای «چو»:

سپهر اعظم در قدر کی شود عطفش  
کشد چه خادم جاهش سراقق اجلال  
(همو، ۲۴)

## ۱۲-۹. به کار بردن «چو» به جای «چه»:

غلط گفتم چو افلاطون چه یونان  
حریم کعبه است و فیض یزدان  
(همو، ۶۱)

## ۱۲-۱۰. حفظ «ه غیر ملفوظ» با وجود آوردن صامت میانجی:

بدرگهی که سرافکنده‌گی کسی نخورد  
چو سر بلندی باشد کشیده دوشان را  
(همو، ۹۱)

۱۲-۱۱. خط‌خوردگی و اصلاح: در بخش‌هایی از کلیات آشوب ابیاتی دیده می‌شود که در آن‌ها روی بعضی از کلمات خط کشیده شده و در بالا یا در کنار آن‌ها شکل اصلاحی، نوشته شده است.

## ۱۲-۱۲. «آ» بدون مَد

توکل توشه، اشک اب و ارادت مرشد رهبر  
چه باکست از گریبان‌ها چه بیم از ام‌غولانش  
(همو، ۶)

## ۱۳. ویژگی‌های زبانی کلیات آشوب مازندرانی

زبان شعر آشوب، تقلیدی از زبان و سنت شعر قدماست و کم‌تر از زبان دوره خود تأثیر پذیرفته است. قصاید او یادآور قصاید انوری و خاقانی است تا حدی که گاهی از به‌کار بردن ترکیبات معروف آنان ابایی ندارد. این تقلید فقط در قصاید دیده نمی‌شود بلکه در غزلیات، رباعیات و مثنوی‌های او نیز با آن مواجه هستیم. در این قالب‌ها آشوب از سبک و سیاق شاعران خراسانی و عراقی متأثر است. وجود شواهد بسیار که برهان تقلید او از پیشینیان است، ادعای او مبنی بر «مبدع طرز» بودن را نقض می‌کند:

مبدع طرزم به فنّ شعر و آداب سخن در جهان کس نیست در طرز سخن همتای من  
(همو، ۲۸)

با اختصار، به چند ویژگی زبانی اشعار آشوب اشاره می‌کنیم:

۱-۱۳. ابداع ترکیبات تازه: از جمله فاقه‌فروشی، گنج‌نثاری، سیاره‌شماری (همو، ۲۲)

۲-۱۳. استفاده از کلمات ترکی: از جمله یرلیغ (همو، ۲۱).

۳-۱۳. استفاده از کلمات هندی:

فارس درگه تو صد فغفور حارس خرگه تو صد چپیال

(همو، ۲۵)

گاهی اسم شهرها و اماکن هندوستان را در شعر آورده است: ملتان، دهلو، پنجاب  
(همو، ۴۳)، تیتال (همو، ۴۸)، تیتاتی، پواجستان (همو، ۵۸) و راک‌بند (همو، ۶۳).

۴-۱۳. به‌کار بردن ضمیر «او» به جای «آن»:

زبید اگر به فقر تفاخر کند فقیر فقرست فقر آنکه به او فخر مصطفاست

۵-۱۳. ساخت صفت‌های مفعولی مرخم:

مرا چندان که گردون کرد سرگشت نکرد از روی خوانش روی بر من

(همو، ۵۰)

۶-۱۳. کاربرد «پر» در نقش قید:

ای فلک ایدای تو پر دیده‌ام ریخته در پای تو در دیده‌ام

(همو، ۸۵)

۱۴. ویژگی‌های فکری

۱-۱۴. انعکاس‌گرایی به مذهب تشیع و پیشوایان دینی

«کم‌تر شاعری را در این دوره می‌توان یافت که قصیده یا ترکیب و ترجیعی در ستایش پیامبر اسلام و امامان شیعه نسروده باشد. گویی شاعران این کار را زکوة طبع و قریحهٔ خود به‌شمار می‌آوردند و از گزاردن آن به‌عنوان یک وظیفهٔ دینی غفلت نداشتند» (صفا، ج ۴، ص ۲۴۷) در کلیات اشرف، این اعتقاد و تعصب مذهبی را، از عنوان بعضی از قصاید او می‌توان دید: منقبت وصی نبی مرسل (آشوب، ۱)؛ در منقبت سلطان انس و جان علی بن

موسی الرضا علیه الف التحیة و الثنا (همو، ۱۷)؛ مدح وصی سید کائنات (همو، ۲۰)؛ در مدح امام محمد مهدی (همو، ۲۵)؛ منقبت امام ثامن ضامن امام رضا (همو، ۳۰) و... .

ما صاف طینتان ز ولای تو دم ز نیم  
ای حجت زمان و زمین زین عابدین  
بیمار بستر الم از درد بی کسی  
تیماردار ماتمیان عزانشین

(همو، ۱۹)

### ۱۴-۲. مفاخره

تفاخر آشوب بر دیگران در سبک و شیوه بیان، یادآور مفاخره‌های خاقانی است:

عنقای قاف وحدت و<sup>۱</sup> ناموس اکبرم  
مرغ قناعتم به پی آب و دانه نیست  
همت به زبردستی من گشت روشناس  
سلطان ملک فقرم ازان رو سپاه از  
قدسی نژاد شاعر معجز بیان منم  
عنوان فتح‌نامه اقلیم نظم را  
قاف قناعت است نهران زیر شهپر  
نه بیضه سپهر بود زیر طایرم  
شخص فتوت است فرومایه چاکرم  
هرگز نیافت راه شبیخون به لشکرم...  
کز مهر قدسیان شده پر داغ محضرم...  
از نام خویش نائب الله اکبرم

(همو، ۲۰-۲۱)

### ۱۴-۳. اعتقاد به قضا و قدر

در دوره صفویان «یکی از موضوعات محبوب همه قضا و قدر است» (ریپکا، ص ۴۱۸). آشوب نیز به قضا و قدر معتقد بوده و برخی از حواث و وقایع را به قضا و قدر نسبت داده است.

داخل به فعل عبد همین قدرت حق است  
خارج از اراده و تقدیر و مدعاست

(آشوب، ۱۶)

قدر قدر چه باشد و حکم قضا چه چیز  
فرمانده قضا و قدر شاه اولیاست

(همو، ۱۷)

قضای آسمانی برنگردد  
قدر هم جز برین محور نگردد

(همو، ۶۴)

### ۱۴-۴. انعکاس معلومات نجومی

یکی از موضوعات مهم که در شعر شاعران قرن‌های ششم و هفتم دیده می‌شود، باور داشتن به نجوم و احکام آن‌ها و تأثیراتشان در سعادت و شقاوت بشر است. همان‌گونه که

قبلاً ذکر شد آشوب در سرودن اشعار خود از شاعران پیشین پیروی کرده، به‌گونه‌ای که بازتاب توجه او به نجوم علاوه بر قصاید در بخش‌های دیگری از کلیات او نمایان است:

یک‌روست گرچه ثور، ولیکن لگدزنست	جوزا ز بس دوروست دوبرهم‌زنی کند
خرچنگ گاه معوج و گه قهقری رود	شمشیر برکشیده اسد دشمنی کند
یک جو کسی ز سنبله ممنون نگشته است	میزان ز بس کجست ترازوزنی کند

(همو، ۵۱)

#### ۱۴-۵. نکوهش دنیا و بدبینی به آن

نکوهش دنیا، بی‌اعتمادی و بدبینی به آن در آثار ادیبان، قدمت بسیاری دارد. شاعران و نویسندگان بسیاری، بی‌اعتباری و گذرا بودن دنیا و «فرزندکشی این مادر» و «عروس هزار داماد بودن آن» و موضوعاتی مانند این را در اشعار خود آورده‌اند. آشوب نیز در کلیات خود به این موضوع توجه داشته و ناخرسندی خود را از آن چنین بیان کرده است:

گلشن به گلخنی دهد این چرخ واژگون	با گلشنی معامله گلخنی کند
گردون سفله بس که خسیس است مرد را	گر حاتم طی است که آخر دنی کند

(همو، ۵۱)

#### ۱۴-۶. اشاره به آداب و رسوم عرفانی

عرفان و موضوعات مرتبط با آن، یکی دیگر از موضوعات مورد توجه شاعران سبک هندی است. «سرمشق شاعران در سرودن این منظومه‌ها نخست مخزن الاسرار نظامی و بعد از آن منظومه‌های مشهوری از قبیل حدیقه سنایی غزنوی، بوستان سعدی، مثنوی مولوی، سبحه و تحفه جامی و همانند آن‌ها بوده است و تقریباً در همه جز تکرار اندیشه‌ها و گفتارهای پیشینیان در طرز نوبی از بیان فکر، چیز تازه‌ای دیده نمی‌شود» (صفا، ج ۴، ص ۲۴۳) آشوب مانند اقران خود، عرفان تقلیدی را که حاصل تتبع و تقلید آثار پیشینیان بوده، در کلیات خود به‌ویژه در غزلیات مطرح کرده است. به چند نمونه از ابیاتی که مفاهیم عرفانی در آن‌ها آمده است، اشاره می‌کنیم:

پیشانی‌ات ز سجده زانو ابا کند	غافل چرا فتاده‌ای از حالت چنین
-------------------------------	--------------------------------

(آشوب، ۱۹)

به رقص سرو سهی آستین برافشاند	ز ذکر بلبل و از صوت باد صوفی‌وار
-------------------------------	----------------------------------

(همو، ۴۵)



این تعین‌های بوقلمون‌نسب را واگذار  
عزلت ار خواهی ز مردم گوشه و حدت‌گزین  
گر تلون نیست در طبعت به یک دستور باش  
تا به او نزدیک گردی اول از خود دور باش  
(همو، ۴۹)

به وحدت گوشه‌گیر قاف عرفان می‌توان گشتن  
به کثرت چند باشی کوچه‌گرد شهر خذلانش  
(همو، ۶)

### ۱۴-۷. الهام از محیط اطراف

«جلالای طباطبایی تأکید می‌ورزد که زبان شاعر برگرفته از زبان اهل کوچه و بازار است و شاعر، زبان خود را از زبان محاوره می‌گیرد و آن‌ها که محاوره نمی‌دانند در واقع با زبان آشنا نیستند گرچه شعر هم بگویند؛ اما از سرودن شعر ناتوان‌اند» (فتوحی، ص ۱۱۸).

کباب از جگر خویش لاله برد به پیش  
نمک فشانده ز شب‌نم برد به استعجال  
(آشوب، ۲۴)

هیچ وردی بهتر از تسبیح اشک صبح نیست  
دانه‌های اشک را تسبیح ساز از تار آه  
(همو، ۳۷)

روزه‌داران تامه روزه نشان هم دهند  
گه به ابرو از نزاکت گه ز شادی از بنان  
(همو، ۴۶)

### ۱۴-۸. گله از غربت

با وجود وفور نعمت و آسایشی که شاهان گورگانی هند برای شاعران هند فراهم کرده بودند آشوب از آزار برخی از مردم هند ملول گشته و برگشت به سرزمین خود را آرزو کرده است:

روم در خود فرو بی‌خود کشف‌وار  
به غربت چون کنم یادی ز مسکن...  
ز دود آه در کسب غریبی  
گرفتم خویش را در خز ادکن  
درین کشور حیا باشد چو عنقا  
اگر باشد بود در چشم روزن  
(همو، ۵۰)

و گاهی زبان به هجو ساکنان آن دیار باز کرده است:

دل‌م ز جان و کند جان ز تن به غصه نفور  
تمام نیش رسانند چون دم عقرب  
ز ناملایمی مردمان پیش‌اوور  
تمام مغز شکافند چون دم ساطور...  
تمام دشمن دانا ز فرط جهل و حسد  
تمام محض جهالت تمام خصم شعور  
(همو، ۴۸)

## ۹-۱۴. بازتاب اندیشه‌های کلامی و فلسفی

همزمان با تلاش‌های عالمان دینی عصر صفوی در ترویج مذهب شیعه، گروه دیگری به کلام روی آوردند و کتاب‌هایی مستقل یا در ترجمه کتاب‌های معروف هم‌کیشان خود نوشتند. این متکلمان تفکر غیردینی (فلسفه) را با تفکر دینی (کلام) درهم آمیختند. گروه دیگری از این متکلمان در عین پرداختن به موضوعات فقهی به موضوعات کلامی نیز توجه داشتند (صفا، ج ۴، ص ۱۱۴).

علی‌رغم رونق کلام اسلامی در این دوره، اندیشه‌های کلامی آشوب همان اندیشه‌های تکراری مطرح‌شده در آثار قدماست:

- عقل نخستین برد رشک و تو در غفلتی  
ثم رددنا مشوا احسن تقویم را  
(آشوب، ۱۲)

- عقول عشره چه باشد نفوس تسعه چه چیز  
به پیش فطرت او ده سفیه، نُه کودن  
(همو، ۳۰)

## ۱۰-۱۴. بیزاری از زهد ریایی

نکوهش زاهدان دروغین و نفاق آنان که از دوره‌های قبل در ادبیات فارسی مطرح شده بود در شعر آشوب مازندرانی نیز دیده می‌شود. از دیدگاه او داشتن بصیرت «دیده تحقیق» و دل نبستن به علایق دنیوی ممیزه زهد ریایی و حقیقی است و لازمه رسیدن به چنین منزلتی «تجرّدپیشگی» و رفتن بر طریق آزادمردان است:

زاهد به مصلاح شد و من سوی خرابات  
او رفت پی کاری و من هم پی کاری  
(همو، ۲۳)

همچنین در ابیات زیر بر «خشک‌زهدی» و تعصب زاهدان خرده گرفته و آنان را با طنز گزنده خطاب می‌کند:

ز زاهد که انکار می کار اوست  
ز فرخنده غلغل می تری  
سدی با همه خشکی زهد خویش  
تر از ساغر باده ای سست‌کیش  
همه خشکی زهد در بار اوست...  
ازان زاهدا منکر ساغری  
تر از ساغر باده ای سست‌کیش  
(همو، ۶۷)

**۱۵. شاخصه‌های ادبی**

شیوه تقلیدی آشوب موجب شده است که او نه تنها در زبان بلکه در کاربرد فنون و صناعات ادبی نیز از شاعران پیشین متأثر باشد. بنابراین در کلیات آشوب همان آرایه‌هایی را می‌توان دید که در دیوان استادان قرن شش و هفت وجود دارد. انواع تشبیهات، استعارات، کنایات و مجازها و صنایع بدیعی مهم در این اثر مشهود است؛ البته برخی آرایه‌های پرکاربرد سبک هندی هم در کلیات آشوب دیده می‌شود.

**۱۵-۱. ارسال المثل**

چون رسی در شهر کوران ای برادر کور باش  
دم ز دانایی مزن در خطه بی‌دانشان  
(همو، ۵۶)

گلستان شد از شاخ گل سرخ‌روی  
دگر آمدش آب رفته به جوی  
(همو، ۶۸)

من که و آن سفتن در از کجا  
شبیره را در صف خور از کجا  
(همو، ۸۶)

**۱۵-۲. طرد و عکس**

خمار مستی و مستی خمار می‌گردد  
ز لطف و قهر تو در طبع باده گلرنگ  
(همو، ۱۸)

**۱۵-۳. تجنیس مکرر (جناس مزدوج)**

پیکرم از هجر آن رخسار چون گلزار زار  
سیم اشک و نقد جان کردم نثار مقدمش  
شد برای جان من آن روی چون گلنار نار  
تابه من یگرو شود آن شاهد عیار یار  
(همو، ۴۰)

**۱۵-۴. ایهام**

تشنه نگذارد رساند آب را هر دم به آب  
کس ندارد همچو چشم طرز مردم‌پروری  
تاز آب دیده من آگیری کرده‌ای  
تیغ ابروی تو شد بازار تیر از مشتری  
(همو، ۳۷)

**۱۵-۵. تضمین و استقبال از شاعران پیشین**

«در همان حال که شاعران عهد صفوی نوجویی در شعر داشتند بعضی از آنان در پیروی

از شیوه‌های قدیم خاصه طریقه قصیده‌گویان طبع‌آزمایی می‌کردند و در قصیده و ترکیب و ترجیع و التزام‌ها و تجدیدمطلع‌ها و انتخاب ردیف‌های دشوار دنباله کار شاعران سده هشتم و آغاز سده نهم را می‌گرفتند» (صفا، ج ۴، ص ۲۲۱).

استقبال و جواب‌گویی آشوب به سه روش کلی صورت گرفته است: «تقلید از یک شاعر و آوردن نام او در عنوان شعر»، «تقلید بدون ذکر نام یا اثر شاعر» و «تقلید از دو یا سه شاعر همزمان و با استقبال از آثار آن‌ها».

معروف‌ترین شاعرانی که آشوب به استقبال آنان رفته است عبارت‌اند از:

### ۱-۵-۱۵. خاقانی

آغاز کلیات آشوب با قصیده‌ای (بی‌مطلع) است که یادآور قصیده معروف مرآت الصفا با مطلع زیر است:

مرا دل پیر تعلیم است و من طفل زباندانش دم تسلیم سرعشر و سر زانو دبستانش  
(خاقانی، ص ۲۰۹)

شاعران بسیاری بعد از خاقانی از این قصیده ۱۱۵ بیتی استقبال کرده‌اند. شمار این استقبال‌کنندگان را از ۲۳ (ذوالفقاری، ص ۲) تا ۱۱۰ (باقریان‌موحد، ص ۲) نوشته‌اند. آشوب نیز با در نظر گرفتن قالب، وزن و محتوای این قصیده حکمی، اخلاقی و عرفانی، قصیده‌ای طولانی در پنج مطلع سروده است که به ذکر مطلع آخر بسنده می‌کنیم:

ز بی‌سرماگی چون طی نمایم راه احسانش جوانمردی که باشد حاتم از خیل گدایانش  
(آشوب، ۸)

علاوه بر این، آشوب در قصیده‌ای دیگر، به استقبال این قصیده خاقانی رفته است:

صبحدم چون کله بند آه دودآسای من چون شفق در خون نشیند چشم شب‌پیمای من  
(خاقانی، ص ۳۲۰)

شب چو آید در خروش آید دل دروای من تا سحر اختر شمارد چشم خون‌پالای من  
(آشوب، ۲۷)

### ۲-۵-۱۵. رشیدالدین و طواط

آشوب در استقبال از قصیده معروف رشیدالدین و طواط، قصیده‌ای ۲۳ بیتی، بر همان

وزن و قافیه سروده است. او در آغاز این قصیده (همو، ۲۵) به تقلید و استقبال خود از قصیده رشید اشاره‌ای نکرده؛ ولی در جایی دیگر در توضیح صنعت ترصیع به‌صراحت به این نکته اذعان کرده است:

«این چهار مطلع چنان است که هر بیت ترصیع است و این صنعت آن است که برابر هر لفظی در مصراع اول مذکور می‌شود و در مصرع ثانی لفظی مذکور می‌شود بر وجهی که از عدد حروف و حرکات و سکانات به آن موافق باشد؛ چنان‌که رشید و طواط در قصیده‌ای که مطلعش این است:

ای منور به تونجوم کمال      وی مقرّر ز تورسوم جلال

رعایت صنعت نمود و اگر در بیان الفاظی که موازن هم واقع شوند نسبت به وجهی از جوه باشد به‌غایت مستحسن خواهد بود؛ چنان‌که در این قصیده بنده که در جواب قصیده ترصیع رشید گفت رعایت این نسبت شد:

ای مرصع زبان توبه مقال      وی مسجع بیان تو ز کمال»

(همو، ۸۷).

### ۳-۵-۱۵. نظامی

آشوب از میان آثار نظامی بیشتر به مخزن الاسرار توجه داشته و این اثرپذیری را گاهی آشکارا با عنوانی که در آغاز اشعارش آورده، نشان می‌دهد و گاهی نیز، طرز بیان او شعر نظامی را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند.

آشوب به شیوه نظامی مثنوی اعجاز البیان را طبقه‌بندی کرده و با عناوینی چون «در بیان حقیقت گوهر خود»، «در بیان تولد گوهر خود گوید»، «در مناجات و اعتراف تقصیرات»، «در خاتمه کتاب گوید» بخش‌های آن را از یکدیگر متمایز کرده است:

ای دم شمشیر تو گیتی‌ستان      بسته تسخیر تو گیتی‌ست آن  
خصم تو گر رستم دستان بود      خاطر او در غم دستان بود

(همو، ۸۴)

علاوه بر این مثنوی، آشوب در جای دیگری نیز از مخزن الاسرار نظامی تقلید کرده؛ ولی به این امر اشاره‌ای نکرده است:

بسم الله الرحمن الرحيم  
طره رخسار عروس قدیم  
گیسوی ژولیده فرق ازل  
سنبل باغ احد لم یزل

(همو، ۷۰)

#### ۴-۵-۱۵. سنایی

آشوب در سرودن چند بیت به وزن و بحر حدیقه سنایی نظر داشته و با آوردن ذوقافیتین در این ابیات درصدد ایجاد تغییر بوده است. «در بحر سبحة و حدیقه بر سه قافیه ذوقافیه اش تجنیس است...»

خضم را از تف تو خست نسیم  
نه گهر از کف تو جست نسیم

(همو، ۲۴)

#### ۵-۵-۱۵. جامی

سبحة الابرار و یوسف و زلیخای جامی بیش از سایر آثار او مطمح نظر آشوب بوده است و این نکته را از عنوان ابیات او می‌توان دید: «بحر سبحة و مثنوی حدیقه و ذوقافیتین مع تجنیس...» (همو، ۸۴).

#### ۶-۵-۱۵. مولوی

با وجود اینکه مولوی و مثنوی معنوی او به سبب جدال صوفیان و متشرعان دوره صفویه، مغضوب واقع شده و حتی برخی به رد و انکار او پرداخته‌اند، مثنوی مولوی، در کنار سایر آثار، توجه آشوب را به خود جلب کرده و از آن استقبال کرده است: «با یک قافیه بی تجنیس بحر مثنوی مولوی است: *تال جامع علوم انسانی*»

منکر بازوی تو روز نبرد  
تافت از نیروی تو روز نبرد

(همو، ۸۴)

#### ۷-۵-۱۵. کاتبی نیشابوری

آشوب در مثنوی اعجاز البیان از چند شاعر نام برده که به سبک آن‌ها توجه داشته و یکی از آن‌ها کاتبی نیشابوری است:

کاتبی آسا شده او سحرساز  
کاؤل ازو یافته این سحر ساز

(همو، ۷۴)

## ۸-۵-۱۵. اهلی شیرازی

در مثنوی اعجاز البیان و چند جای دیگر از کلیات آشوب نام این شاعر دیده می‌شود:

تا در معنی پی اهلی شدم هم‌تک وحشی بدم اهلی شدم

و در جای دیگر در آغاز اشعار خود این‌چنین نوشته است: «ذوقافیتین مع تجنیس موافق سحر حلال»<sup>۱</sup>

ای دم شمشیر تو گیتی ستان بسته تسخیر تو گیتی ست آن»

(همو، ۸۴)

## ۶-۱۵. ماده تاریخ

یکی از تفتن‌های شعری آشوب ساختن ماده تاریخ برای وقایع مهم با حروف ابجد است و این موضوع در حقیقت تداوم سنت شعری پیشینیان به‌ویژه تیموریان بود که در دوره صفویه شاعران به آن اقبال بسیاری نشان دادند. آشوب در ثبت وقایع زیر ماده تاریخ ساخته است:

۱. فی التاریخ در جلوس پادشاه ایران، ۲. تاریخ عمارت نواب تقرب‌خان، ۳. تاریخ خطاب و بخشی‌گری نواب دانشمندخان، ۴. تاریخ وفات مکرمت‌خان، ۵. تاریخ وفات میریحیی، ۶. تاریخ وفات نادر العصر استاد احمد معمار، ۷. تاریخ چاه خیرات.

## نتیجه‌گیری

نسخه‌های خطی گنجینه‌ای گران‌بها از فرهنگ و ادبیات کشور ماست و تصحیح و عرضه آن‌ها به دوستداران ادبیات گامی مهم در حفظ و نگهداری و نجات آن‌ها از فروافتادن در ورطه فراموشی است. کثرت شاعران مهاجر به هند در دوره صفویان و پراکندگی آنان موجب گردیده است بسیاری از این شاعران گمنام بمانند و آثارشان در کتابخانه‌ها و مراکز علمی کشورهای مختلف به‌بوته فراموشی سپرده شود. یکی از آثار کلیات آشوب است که تصحیح و بررسی آن در روشن شدن سبک نخستین شاعران سبک هندی یاریگر پژوهشگران خواهد بود. آشوب از شاعران قرن یازدهم هجری و از معاصران طالب آملی

است که از زادگاه خود، ساری، به اصفهان رفته و از آنجا به هند مهاجرت کرده و به دربار گورکانیان هند راه یافته است.

کلیات اشعار او مشتمل بر قصاید، مثنوی، مقطعات، غزلیات، رباعیات و مقدراری ابیات پراکنده است. او پیرو شیوه شاعران اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم و بسیار تحت تأثیر حدیقه الحقیقه سنایی، قصاید خاقانی و مخزن الاسرار نظامی است. مدح امامان<sup>(ع)</sup> و شاهان و حاکمان دوره صفوی، مفاخره، قضا و قدر، مفاهیم تعلیمی، انعکاس معلومات نجومی و کلامی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در شعر او نمود یافته است.

### منابع

آرزو، سراج‌الدین علی، مجمع‌النفاث، به کوشش زیب‌النسا علی‌خان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۸۳.

آشوب مازندرانی، کلیات، نسخه خطی کتابخانه نورعثمانیه ترکیه (شماره ۳۶۵۷/۴۱۸۰).

آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۱.

باقریان‌موحد، سید رضا، «استقبال آشوب مازندرانی از قصیده شینیه خاقانی»، میراث شهاب، س ۲۲، ش ۸۴ و ۸۵، تابستان و پاییز ۱۳۹۵.

براون، ادوارد گرانویل، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه عبدالحسین نوایی، ضیاء‌الدین سجادی و بهرام مقدادی، مروارید، تهران، ۱۳۷۵.

حجتی، حمیده، «آشوب مازندرانی»، در دانشنامه ادب فارسی در شبه‌قاره (هند، پاکستان، بنگلادش)، به سرپرستی حسن انوشه، ج ۴، بخش یکم: آ-ج، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.

خاقانی شروانی، دیوان، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، زوار، تهران، ۱۳۸۲.

خلیل، علی ابراهیم، صحف ابراهیم (بخش معاصران)، تصحیح میرهاشم محدث، انجمن آثار و مفاخر ملی، تهران، ۱۳۸۵.

خیامپور، عبدالرسول، فرهنگ سخنوران، تربیت، تبریز، ۱۳۷۲.

ذوالفقاری، حسن، «شینیه‌های قبل و بعد از خاقانی»، فرهنگ، س ۱۹، ش ۵۷ و ۵۸، بهار و تابستان ۱۳۸۵.

راشدی، حسام‌الدین، تذکره شعرای کشمیر، اقبال آکادمی پاکستان، لاهور، ۱۹۸۳.

رحم‌علی‌خان ایمان، منتخب اللطایف، تصحیح و شرح مهدی عزیزاده و حسین عزیزاده، طهوری، تهران، ۱۳۸۶.

ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران از دوران باستان تا قاجاریه، ترجمه عیسی شهبانی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.



زرین کوب، عبدالحسین، از گذشته ادبی ایران، سخن، تهران، ۱۳۸۳.  
سامی، شمس‌الدین، قاموس الاعلام، مهران، استانبول، ۱۸۸۹.  
سید علی حسن خان بهوپالی، صبح گلشن، به اهتمام محمد عبدالمجیدخان، مطبع شاه‌جهانی، بهوپال، ۱۲۹۵ق.

صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، تلخیص از محمد ترابی، فردوس، تهران، ۱۳۸۷.  
طاهری‌شهاب، محمد (۱)، «آشوب مازندرانی»، ارمان، س ۳۳، ش ۱، فروردین ۱۳۴۳.  
\_\_\_\_\_ (۲)، مقدمه بر کلیات اشعار ملک‌الشعراء طالب آملی، کتابخانه سنایی، تهران، ۱۳۴۶.  
عاشقی عظیم‌آبادی، حسین قلی، تذکره شتر عشق، تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج‌سیدجوادی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۱.

غنی موفرخ‌آبادی، محمد عبدالغنی، تذکره الشعراء، به اهتمام محمد مقتدی شروانی، مطبع انسی‌تیوت گزت، علیگره، ۱۹۱۶.

فتوحی، محمود، نقد ادبی در سبک هندی، سخن، تهران، ۱۳۸۵.  
گلچین‌معانی، احمد، کاروان هند، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.  
گوپاموی، محمد قدرت‌الله، تذکره نتایج الافکار، تصحیح یوسف بیگ‌باباپور، مجمع ذخائر اسلامی، قم، ۱۳۸۷.

نصرآبادی اصفهانی، محمدطاهر، تذکره نصرآبادی، چاپخانه ارمان، تهران، ۱۳۱۷.  
نقش‌علی، باغ معانی، تصحیح و ترتیب عابدرضا بیدار، خدابخش اورینتل پبلک لائبریری، پتنه، ۱۹۹۲.  
واله داغستانی، علیقلی، تذکره ریاض الشعراء، مقدمه، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، اساطیر، تهران، ۱۳۸۴.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی